مدیریت شهری
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017
۳۱۷-۳۳۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۷/۱۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۱

واکاوی نقش ساختمان های بلند مرتبه بر فرهنگ سکونتی شهر شیراز

مهدی توکلی کازرونی – دانشجوی دکتری تخصصی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه معماری، شیراز، ایران.

هادی کشمیری* – هیات علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه معماری، شیراز، ایران.

چکیده

رویکرد های جدید طراحی مجتمع های زیستی متکی به الگوهای جامع بین رشته ای است، که به هماهنگی جنبه های انسانی و محیطی طراحی اهمیت بیشتری داده اند. از سوی دیگر، مشکلات زندگی شهرهای بزرگ استفاده از مجموعه های متراکم را اجتناب ناپذیر ساخته است. توجه به عوامل انسانی و محیطی مؤثر در برنامه ریزی و طراحی می تواند کیفیت زندگی در مجموعه های مسکونی را ارتقاء بخشد. ساختمان های بلند مرتبه دارای قدمت نسبتا کوتاهی در کشور ما می باشند، مجتمع های زیستی نشینی و فرهنگ سکونتی در مجتمع های زیستی چندی است دغدغه بسیاری از پژوهشگران شده است. لذا این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای به تبیین و بررسی مشتقات حاصل از نظریات فرهنگ سکونتی و نظریات موثر بر ساختمان های بلند مرتبه پرداخته است. نتایج حاصل به شکل ارائه چند نظریه در باب تاثیر ساختمان های بلند مرتبه بر فرهنگ سکونتی خواهد بود.

واژگان کلیدی: بلندمرتبه سازی، فرهنگ، سکونت، توسعه عمودی شهر، مجتمع سکونتی

Analysis of the role of high-rised buildings on Habitaion culture of Shiraz

Abstract

New approaches to design residential complexes are based on comprehensive interdisciplinary patterns in which the coordination of the human and environmental aspects of the designing is more important. In addition, the problems of living in big cities make it inevitable to use aggregate complexes. Paying attention to human and environmental factors contributing to planning and designing can improve the quality of life in residential complexes. High-rised buildings have a relatively short history in our country. So, it has been a short time that many researchers concern about living in residential complexes and culture of habitation in such complexes. The aim of this study is to analyse and discuss about the outputs of theories about habitation culture and theories related to high-rised buildings by using libraries procedure. The results will present several theories about the impact of high-rised buildings on habitation culture.

Keywords: high-rise building| culture| housing| vertical development of the city| residential complex

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس:۰۹۱۲۶۵۳۲۵۲۷ ، رایانامه: keshmirihadi@yahoo.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

مقدمه

معمـاری بیـان هنـری اسـت کـه همه مـردم خـواه؛ نا خـواه در معـرض آن قـرار مـی گیرند. مـردم در فضای معمـاری زندگـی و کار مـی کنند، و عشـق مـی ورزند. بـا ایـن همه، به گفتـه والتـر بنیامین، معمـاری معمولاً بـه ناخـودآگاه رانده شـده و به شـیوه ای آشـفته درک مـی شـود. هـر بنایـی از آسـمان خراش‌هـا گرفتـه تـا مقبـره هـا، ضرورتاً به مـردم مربوط می شـود. پایداری فرهنگـی در مجتمع های مسـکونی وضعیتی اسـت که در آن، سـاکنان از زندگـی در خانـه و مجتمـع خـود رضایـت دارنـد و از همسـایگی بـا سـایر سـاکنان لذت مـی برنـد و همچنیـن از رفتـار با سـایر سـکنه مجتمع لـذت مـی برنـد.. مجموعـه شـرایط زندگـی بـه نحوی اسـت کـه با گذشـت زمـان تعامـلات اجتماعی بیشـتر مـی شـود و بیشـتر افـراد نسـبت بـه محـل زندگـی خویـش تعلـق خاطر و دلبسـتگی مـی یابنـد. بنابراین بـه صـورت ناخـودآگاه حافـظ سـلامت و پایـداری آن هسـتند و در نگـه داری و بهبـود وضعیـت موجـود، مشـارکت و هماهنگـی دارنـد. در نتیجـه عمـر مفیـد و ارزش مـادی واحدهـای مسـکونی ایـن نـوع مجتمـع هـا در شـرایط برابـر بیشـتر از سـایر مجتمـع هاسـت. پایـداری اجتماعـی بهـره وری مجتمـع های مسـکونی را بـه حداکثـر مـی رسـاند. و نوعی تعالی بخشـیدن به زیسـتن را شـکل می دهـد. پس بایـد فضاهایی متمایز بـرای فعالیت های مختلف انسـان فراهـم آورد و آنها را بـه نحـوی بـه هم پیونـد داد، کـه محتـوای عاطفی آن کنـش خـاص در حیـات آدمـی، کـه در آن فضاهـا رخ مـی دهد، باشـد.

۱. بیان مسئله

مسـکن بـه صـورت اجتماعـی نـوع خاصـی از مسـکن اسـت کـه ریشـه ای تاریخـی در قـرن نوزدهـم دارد و در تعـدادی از کشـور هـای صنعتـی طـی دهـه هـای گذشـته و بـه ویـژه در سـالهای بعـد از جنـگ جهانی دوم یکـی از روشـهای عمده تامین مسـکن بـرای افراد کـم درآمـد و میـان درآمـد بـوده اسـت. در راسـتای تحـولات انقلاب صنعتی و رشـد جمعیـت رویکرد های جدیـدی در برنامـه ریـزی و طراحی مسـکن بـه وجود آمـده اسـت. زندگـی در شـهر های بـزرگ اسـتفاده از مجموعـه هـای متراکـم تـر و هماهنـگ با جنبـه های انسـانی و محیطـی را القـاء مـی کند. زیرا توجـه به این عوامـل مـی توانـد زندگـی در مجموعه های مسـکونی را ارتقـاء بخشـد. هرچنـد طـرح یـک مجتمع زیسـتی حاصـل نهایـی فرآیند پیچیده ای اسـت کـه عناصر آن بـر هـم تأثیر متقابل دارنـد و عوامل متعـددی از جمله ویژگـی هـای فرهنگی،اجتماعـی، اقتصـادی و محیطی در آن مؤثرنـد، امـا با رعایت اصـول و معیارهای حاصل از پژوهـش های بنیـادی و کاربـردی در زمینه طراحی معماری،سـازه و طراحـی سـایت مـی تـوان امـکان اسـتفاده و البتـه مشـروط از مجتمـع های مسـکونی را راه حلـی واقـع گرایانـه و مطلوب جهت اسـکان مردم و تامین سـایر نیازهـای مرتبط با فعالیت هـای اجتماعی و محیطـی در شـهر هـای بزرگ دانسـت. اگرچـه بلند مرتبـه سـازی از سـویی می تواند به بخشـی از مسـائل شـهری نظیـر کمبـود زمیـن و مسـکن تا حدی پاسـخ دهـد، امـا ایـن پدیده خود مـی تواند نگرانیهـای عمده ای را نیـز دامـن بزند.

۲. روش شناسی پژوهش

پژوهـش حاضـر از نظـر ماهیـت از نـوع پژوهـش هـای اکتشـافی اسـت، زیـرا مسـأله ای را مـورد توجـه قـرار مـی دهـد کـه قبلا بـه آن بـا این نـگاه پرداخته نشـده اسـت. در چنیـن پژوهشـی بـه جـای آزمـون فرضیـه، هـدف جمـع آوری الگوها و ایـده ها بـرای یافتن درک عمیـق از موضـوع اسـت بـرای ایـن منظـور از رویکـرد آمیختـه اسـتفاده می کنیم که هـدف آن ترکیب روش هـای پژوهـش کمی و کیفی برای دسـتیابی به روشـی مناسـب جهـت دسـتیابی بـه اهـداف پژوهـش اسـت. بـرای ایـن منظور ابتـدا به گـردآوری داده هـای کیفی بـا اسـتفاده از روش مطالعـات کتابخانـه ای پرداختـه شـده و سـپس سـعی گردیـده تـا از روش دلفـی برای رتبه بندی شـاخص ها بهره گیری شـود. در این راسـتا ابتـدا در نتیجـه بازنگـری ادبیـات موضـوع مهمتریـن عوامـل موثـر بلنـد مرتبه سـازی بـر فرهنگ سـکونتی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۱. جمع بندی آرا و اندیشه های نظریه پردازان درباره مفهوم سکونت

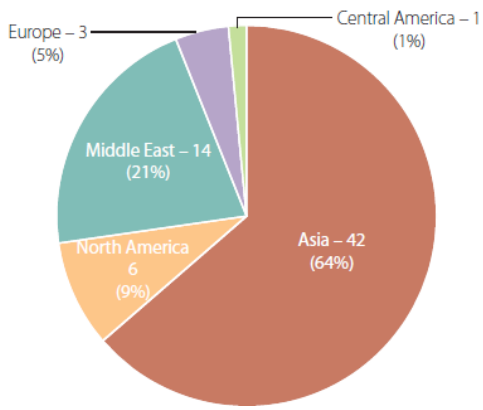
نظریه پرداز	دیدگاه نظری درباره مفهوم سکونت و خانه
کریستین نوربرگ شولتز	صحنه اجرای سکونت خانه است که در واقع پناهگاهی است که امنیت و آسایش را برای ساکنینش به ارمغان می آورد. خانه مکانی است برای دیدار محرمانه سکونت خصوصی که بر پایه ی عشق استوار است و در نهایت خانه خود زندگی است که قلمروی درونی را که خاطرات محیط دوردست را در خود گرد آورده است می آفزایند (نوربرگ شولتز، ۱۹۸۴).
ابونصر فارابی	خانه از نظر او صرفا زیستگاه نیست بلکه جایگاهی است که حضور در آن باعث کمال می شود، بر رفتار فرد تاثیر می گذارد و محوریت پیوند انسان ها با یکدیگر است. وقتی که خانه در کمال بخشی به فرد تاثیر داشته باشد آنگاه شهر نیز در کلیت خود باعث تکامل همه ی شهروندان می شوند (معینی،۱۳۸۳).
رابرت گیفورد	کاشانه یک مجموعه غنی از معانی فرهنگی، جمعیتی و روانی در حال تکامل است که ما به ساختار فیزیکی متصل می کنیم و شش مشخصه دارد: پناهگاه، نظم دهی، هویت، همبستگی، گرمای سمبلیک و متناسب بودن با نیازهای روانی (گیفورد، ۱۹۹۷).
علی مدنی پور	خانه، مکانی برای استقرار خانواده است و در واقع تصویرگر اصلی عرصه خصوصی انسان، نهادی در بطن جامعه مدرن، نمادی برای ابراز هویت شخصی فرد و سرپناهی کالبدی و روانی است (مدنی پور،۱۳۸۷).

که شامل ۴۱ مورد بود استخراج گردید و سپس در قالب روش دلفی با استفاده از ابزار پرسشنامه ای در سه مرحله و مبتنی بر روش گلوله برفی با نمونه آماری شامل ۳۲ خبره در حوزه معماری مورد سنجش و رتبه بندی قرار گرفت که در قالب جدولی در پایان پژوهش ارائه گردیده است. ضمنا برای بررسی ضریب همبستگی از شاخص معنی‌داری و برای تطابق قابل قبول نظرات در آزمون دلفی از ضریب دبلیوی کندال بهره برده شده است.

۳. مفاهیم و تعاریف

۳-۱. مفهوم سکونت

از نظر مارتین هایدگر، سکونت کردن هدف هر نوع بنا کردن است و خصیصه اصلی آن آسیب نرساندن و حراست کردن است که با نجات دادن زمین، پذیرفتن آسمان، ماندن در انتظار خدایان و هدایت کردن فانیان بدست می آید (هایدگر، ۱۳۷۷). در ادبیات سکونت، بر اهمیت نقش مسکن در احراز هویت ساکنان تاکید شده است. مارتین هایدگر سکونت را نشان بارز وجود می داند (هایدگر، ۱۳۸۱، ص ۲۴). گاستون باشلار خانه را به عنوان قوای عظیم در هم آمیخته زندگی بشر یاد می کند و معتقد است که انسان در خانه هویت خود را باز



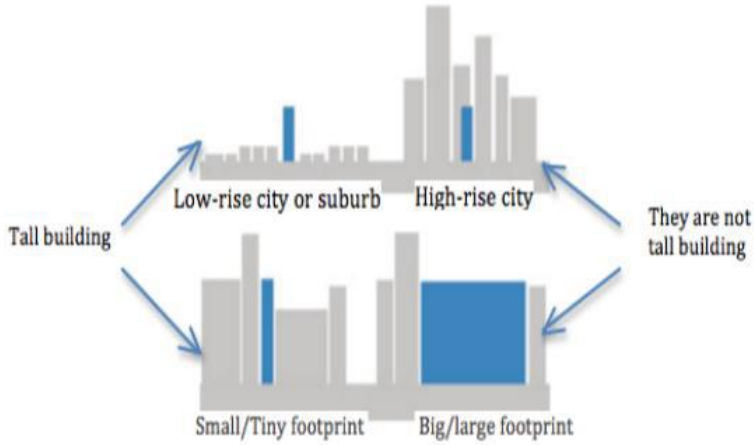
شکل ۱. نمودار بلندمرتبه سازی در قاره های مختلف جهان (Wezha Hawez Baiz,۲۰۱۶:۲۰)

می یابد (Bachelard,۲۰۰۷:۷۴).

۳-۲. بلند مرتبه سازی

استفاده از ساختمان های بلندمرتبه به تمدن های اخیر زود برمی گردد. در مصر باستان این کلمه برای توصیف اهرام که مربوط به ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است استفاده گردیده است. پس از آن برای نشان دادن ارتفاع کلیساها و کاخها استفاده می شده است. برای مثال کلیسای لینکلن یکی از بلندترین کلیساها از ۲۰۰ سال پیش تاکنون بوده است توجه به ارتفاع ساختمان های بلند نیز به

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]



شکل ۲. مفاهیم نسبی بلند مرتبه سازی؛ ماخذ: Wezha Hawez Baiz,۲۰:۲۰۱۶

قرن ۱۹ در شیکاگو برمی گردد. و این در حالی است در سه دهه گذشته این ساختمان ها به سرعت توسعه یافتند (شکل ۱).

ساختمان های بلندمرتبه تنها یک پدیده از شهر حاضر و به صورت جداگانه یا بدون تاثیر بر برنامه ریزی شهری نیست. مطالعه و تحقیق برج های بلند معمولا به همراه محیط پیرامون آمده است. به عبارت دیگر هنگام اندازه گیری ارتفاع ساختمان های بلند، باید در چهارچوب محیط اطراف توجه نمود سپس می توان تصمیم گرفت که آن ساختمان ها مرتفع هستند یا آسمان خراش شناخته می شوند. ملاک ساختمان بلند مرتبه یا آسمان خراش صرفاً ارتفاع نیست.جنبه های مختلفی در این خصوص باید بررسی شود. شورای ساختمان های بلند و زیستگاه شهری (CTBUH) تعدادی از جنبه هایی که باید هنگام محاسبه ارتفاع ساختمان ها بررسی شود را تعریف کرده است، این جنبه ها عبارتند از: نسبت، فناوری، بافت شهری.

همان طور که روشن است یکی از جنبه ها به بافت شهری مربوط است. این بدان معناست که بین ساختمان های های شهری و بلند مرتبه ارتباط قوی وجود دارد و جدا از یکدیگر نیستند و هریک بر دیگری تاثیرگذار است. برای نمونه، هر برج دارای چهاده طبق در شانگهای و یا هر شهر دیگری که به عنوان شهر مرتفع شناخته می شود، نمی تواند به عنوان ساختمان بلند مرتبه یا آسمان خراش اندازه گیری شود. از سوی دیگر همان برج با همان ارتفاع می تواند به عنوان یک ساختمان بلند در بسیاری از شهر های اروپا محسوب گردد (شکل ۲).

از مسایل مهمی که از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی شهرهای بزرگ جهان با آن مواجه شدند، ساخت بناهای بلند با شیوه امروزی است. اینگونه بناها در ابتدا به منظور بهره گیری بهتر از زمین های مرکز شهر در شهرهای بزرگ کشورهای غربی مورد استفاده قرار گرفتند. پس از گذشت چند دهه شهرهای بزرگ کشورهای در حال رشد نیز، به تقلید از آن شهرها یا بر حسب ضرورت، از بناهای بلند استفاده نمودند (رزاقی اصل و دیگران، ۱۳۸۹). در حال حاضر تناسبات یکی از مسائلی است که شهر ها با آن متمایز شده اند و نمادی برای زندگی مدرن است که نشان می دهد ساختمان های بلند به سرعت در حال رشد هستند. برخی از فاکتور های مهم گرایش به ساختمان های بلند مرتبه عبارتند از: جمعیت، نفوذپذیری، مدیریت شهری و نمادین بودن. ساختمانهای بلند مرتبه تنها جهت حل مشکلات ذکر شده در بالا است ولی خود باعث مشکلاتی چون: تاثیر در بافت شهری مانند فرهنگ، محیط زیست، آلودگی محیط زیست

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

و سایه اندازی است.

۳-۳.مرور تعاریف ساختمان بلند مرتبه

برای ساختمانهای بلند از دیدگاههای مختلف تعاریف متفاوتی ارائه شده است که هریک از منظر خود به تعریف بلند مرتبه سازی پرداخته اند.در طول زمان و در مکانهای مختلف نیز تعاریف ساختمانهای بلند متفاوت بوده است. فرهنگ جدید انگلیسی آکسفورد می گوید، ساختمانی که طبقات بلند داشته باشد. از دیدگاه مهندسان ساختمان، هنگامی می توان بنایی را بلند مرتبه یا مرتفع نامید که ارتفاع آن باعث شود نیروهای جانبی ناشی از زلزله و باد بر طراحی آن تاثیر قابل توجهی بگذارد و بر این مبنا از لحاظ ارتفاع، ساختمانهای بیشتر از ۱۰ طبقه را بلند مرتبه به شمار می آورند.

۳-۴.تاریخچه بلند مرتبه سازی در جهان

قرن بیستم شاهد تحولات بی سابقه ای در زمینه های گوناگون علمی، فنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی- فرهنگی بوده است (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۴۴۵-۴۴۶). با افزایش جمعیت، تشکیل شهرها و کلان شهرها، مسکن نیز حکم کالایی خاص را یافت و دارای ابعاد گوناگون و تاثیرگذار بر دیگر شاخص های اقتصادی شد. حق برخورداری از مسکن مناسب در سال ۱۹۴۸ به طور رسمی در اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد مطرح گردید (کریمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). بی تردید بهره گیری از آزادی ها و حقوق اساسی یک انسان در گرو زیست سالم، بی دغدغه و امن است و این همه بدون برخورداری از سرپناهی مناسب و ایمن حاصل نمی شود (رفیعی، ۱۳۸۳، ص ۳۶). مسکن به عنوان نوعی سرمایه گذاری دارای مفهوم اقتصادی نیز هست، از طرفی الگوهای سکونتی نیز ارتباط مستقیمی با شرایط اجتماعی و اقتصادی و نیازهای فرهنگی جامعه دارد. به گونه ای که سیاست های اجرا شده در داخل یک کشور جهت تامین مسکن لزوما در ناحیه دیگری از همان کشور قابل اجرا و قرین توفیق نخواهد بود بدین ترتیب برای پرداختن به موضوع مسکن حتما، باید مولفه های هویتی هر محل نیز به خوبی شناسایی شوند (تواهن، ۱۳۸۳، ص ۴). حل مشکل مسکن بدون توجه به ویژگی های جمعیتی یک کشور اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است، زیرا شاخص های جمعیتی نظیر تعداد و روند افزایش جمعیت، ساخت آن، درجه عمومیت و پیشرسی ازدواج، مهاجرت، وضعیت اشتغال و ... مستقیما برحدود نیاز به مسکن تاثیر می گذارند، به همین جهت شناخت جمعیت و ویژگی های آن گام نخست در رفع این مشکل محسوب می شود (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۵-۱۵۶). ارتفاع ساختمان دستاوردی است که راه حل برخی از بزرگترین شهرسازی جدید را در بر میگیرد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۳۸۱).

۳-۵.تاریخچه بلند مرتبه سازی در ایران

بروز بحران آسیب زای مسکن و ضرورت آپارتمان نشینی در کل دنیا، اساساً بازتاب انتقال از جوامع مبتنی بر کشاورزی، نظام ایلاتی و طایفه ای خانواده های پدر سالار و گسترده به نوع دیگری از جوامع مبتنی بر صنعت و خدمات با نظام استقرار شهری و بروز فرهنگ نو ظهور فردگرایی با خانواده های هسته ای می باشد که البته گونه ای انتقال از ساختار جمعیتی با نرخ رشد حدود ۰/۵ درصد و حتی کمتر را به ساختار جمعیتی نوظهوری که رشد سالانه حدود ۳ تا۴ درصد داشته را نیز شاهد بوده ایم (حسامیان و دیگران، ۱۳۶۳، ص ۲۱).

۴-۴. بررسی دیدگاه های مربوط به بلند مرتبه سازی

شناخت هر پدیده ای به درجه شناخت از نظریات و دیدگاه های مربوط به آن پدیده بستگی دارد، بدین معنی که با شناخت دقیق این دیدگاه ها، ادراک آن پدیده آسانتر می گردد. به همین دلیل لازم دانستیم نظریات و دیدگاه های مثبت و منفی مربوط به ساخت و سازهای بلند مرتبه را مورد بحث و بررسی قرار دهیم

۴-۴-۱. دیدگاه های مخالف با ساختمان های بلند مرتبه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

در ارتباط با کیفیت زندگی شهری و مسائل اجتماعی، عقیده نظریه پردازان فوق بر این است که، مجتمع های زیستی های بلند به هیچ وجه جای یک مسکن سالم و طبیعی را نمی گیرند (بالکن جای باغچه)، مالکیت مجتمع های زیستی هیچگاه جای مالکیت یک خانه معمولی را نمی گیرد. بعلاوه، ساختمانهای بلند علیه خود انسان نیز عمل می کنند. زیرا زمینه لازم برای وقوع جنایات را فراهم می سازند. کودکان تماس مستقیم خود را با طبیعت و با همسالان خود از دست می دهند و این امر آثار تأسف باری را هم برای خود کودکان و هم برای والدین آنها در برخواهد داشت (بحرینی، ۱۳۶۹، ص ۱۴). به کارگیری ساختمان های بلند مرتبه، به منظور تامین مسکن همگانی، با ناکامی هایی رو به رو بوده است. این نقایص را می توان به برعکس طبیعت و محیط زیست عمل می کنند و مقیاس محیط و جریان طبیعی هوا را نیز به هم می زنند و سبب ایجاد آلودگی می شوند. ساختمان های بلند کلیه ارزش های قدیمی کالبد و سیمای شهرها را زیر پا گذاشته اند و مناظر طبیعی شهرها را از بین می برند (بحرینی، ۱۳۷۶). لوئیس مامفورد منتقد بزرگ معماری، اظهار می دارد: مرتب کردن ساختمان های مرتفع پیوسته یا برج ها، حتی اگر به اندازه ای از یکدیگر جدا شده باشند که بر هم سایه نیندازند، ایجاد محیطی عاری از جذابیت است؛ چون که بناهای پیوسته یا برج ها خورشید را از محیط می گیرند و مقیاس انسانی را تخریب می کنند، محیطی که صمیمیت و آشنا بودن با آن برای خردسالان و بزرگسالان شادی بخش است (شوای، ۱۳۷۵، ص ۳۶۵).

۴-۴-۲. دیدگاه های موافق با ساختمان های بلند مرتبه

موافقان با ساخت بناهای بلند، ضمن ارایه ی دیدگاه ها و نظریات گوناگون، دلایل بسیاری برای مزیت این گونه بناها مطرح می کنند. بعضی از این نظریات، احداث بناهای بلند را نوعی واقع گرایی دانسته و با توجه به شرایطی که در قرن حاضر ایجاد گردیده است، بر استفاده از ساختمان بلند تاکید می کنند و در مجموع با توجه به رشد جمعیت شهرهای بزرگ، احداث ساختمان های بلند را راه حل طبیعی و مناسب جهت اسکان مردم در شهرهای بزرگ می دانند (حبیبی، ۱۳۸۸). معمارانی چون گریپیوس معتقد بودند که ساختن بناهای مسکونی مرتفع، امکان استفاده از زمین آزاد (باغ) و زمین های بازی را بیشتر می کند، ساختمان و زمین، آفتاب بهتر و بیشتری می گیرند و از این روی خانه های بلند برتری دارند (اعتصام، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲). در طرح های شهری، معمارانی چون میس وندروهه و گروپیوس و... به عنوان موافقان با طرح ساختمان های بلند یا ساخت این بناها خواستار انجام تغییر اساسی در شهرهای بزرگ هستند و معتقدند تراکم جمعیت در شهرها روز به روز افزایش می یابد. برای استفاده از فضای آزاد، نور و هوای کافی، احداث ساختمان های بلند لازم است. بنابراین اساس طرح های معماران احداث پارک ها و گردشگاه ها است (گیدئون، ۱۳۸۰، ص ۶۵۱). یک ساختمان بلند مسکونی در آشنایی و نزدیک شدن ساکنان خود همانند آشنایی هایی که در دهات و جوامع کوچک رخ می دهند، نقش اجتماعی مثبتی را ایفا می کند و خارج از این ارزشی مهم شناخته شده است (بهرون، ۱۳۷۵، ص ۴۳). همچنین خانواده ها با عوامل مختلفی که تحت عنوان سلامت محله و روابط اجتماعی، موقعیت، امکانات و خدمات اجتماعی می باشد تمرکز دارند (Belinda Yuen, ۲۰۰۶).

۴-۵. مفهوم فرهنگ

فرهنگ در گسترده ترین معنای خود، چنان که مردم شناسان به کار می برند، نامی ست برای همه ی چیزهایی که دست آورد انسان است و مایه ی جدایی او از طبیعت و برتری او بر دیگر باشندگان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۳. تعاریف فرهنگ

لووی، ۱۹۳۷	فرهنگ مجموعه ی چیزهایی است که فرد از جامعه خود فرا می گیرد، یعنی باورها، رسم ها، سنجه های هنری، عادت های خورد و خوراک و پیشه هایی که نه از راه کردوکار خود بنیاد او، بلکه به صورت میراثی از گذشته، از راه آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی به او می رسد (آشوری، ۴۹:۱۳۸۶).
هرسکوویتس، ۱۹۴۸	فرهنگ در اساس بنایی ست بیانگر تمامی باورها، رفتارها، دانش ها، ارزش ها و خواسته هایی که شیوه ی زندگی هر ملت را باز می نماید ... و سرانجام عبارت است از هرآنچه یک ملت دارد، هر کاری که می کند و هر آنچه می اندیشد . فرهنگ بخش انسان ساخته ی محیط است (آشوری،۵۱:۱۳۸۶).
لینتون، ۱۹۳۶	وراثت اجتماعی فرهنگ نامیده می شود. فرهنگ، به معنای عام، کل میراث اجتماعی بشریت است و به معنای خاص رگه ای ویژه از میراث اجتماعی (آشوری،۵۲:۱۳۸۶).
مید، ۱۹۳۷	فرهنگ به معنای کلیت در هم تنیده ای است از رفتار فرادادی که نژاد بشر پرورانده است و نسل به نسل آموخته می شود. هیچ فرهنگی را به دقت نمی توان حدگذاری کرد. معنای آن می تواند شکل های رفتار فرادادی خاص یک جامعه، یک گروه از جامعه، یک نژاد، یک حوزه یا دروه های خاص باشد (آشوری،۵۲:۱۳۸۶).
بنت و تومن،۱۹۴۹	فرهنگ عبارتست از الگوهای رفتار همه ی گروه ها که «راه و روش زندگی» نامیده می شود: سیمای پدیدار همه گروه های بشری. رویداد «فرهنگ» برای همه ی گروه ها یکسان است، اما الگوهای ویژه فرهنگ در میان گروه ها گوناگون است. «یک فرهنگ» آن الگوی خاص رفتار است که یک جامعه را از دیگر جامعه ها جدا می کند (آشوری، ۵۶:۱۳۸۶).
کلاکن، ۱۹۴۹	فرهنگ را می توان آن بخشی از محیط دانست که آفریده ی دست انسان است (آشوری،۶۸:۱۳۸۶).

طبیعی. برخی کوشیده اند سازمایه های اصلی پدیده فرهنگ را از هم جدا و طبقه بندی کنند، ولی در کل فرهنگ در برگیرنده ی همه ی چیزهایی ست که یک شکل خاص از زندگی اجتماعی و زندگی اجتماعی انسانی ار در کل ممکن می کند و روابط و سازوکارهای درونی آن را سامان می دهد (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). تعریفی که ادوارد بارنت تایلور مردم شناس بزرگ انگلیسی در سال ۱۸۷۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» ارائه داده است به عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است. فرهنگ مجموعه ای پیچیده ای است که در برگیرنده دانتستنی ها، اعتقادات، هنرها، خلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می آورد (روح الامینی، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

۴-۵-۱. فرهنگ و ابعاد آن

فرهنگ از جمله کلماتی است که در متون مختلف از کاربرد گسترده ای برخوردار است و همین گستردگی بر ابهام و پیچیدگی آن می افزاید. البته این وسعت استفاده نشانه ابعاد بسیار پنهان فرهنگ است که آن را قادر به نفوذ در امور مختلف می سازد. اهمیت فرهنگ به میزانی است که بعضی آن را سبب تمایز انسان از حیوان می دانند و به عبارتی سخن از این به میان می آورند که انسان حیوانی است با فرهنگ (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۱۶) و عده‌ای دیگر آن را به مثابه حافظه ای برای جامعه می دانند (تری یاندیس، ۱۳۸۸، ص ۲۶). تاثیر فرهنگ صرفا به جامعه بر نمی گردد و آن را می توان عامل اولیه ای برای اختلافات فردی نیز دانست (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۳). همین برداشت های متنوع؛ این امر را ضروری می سازد تا بیش از پیش به شناخت جایگاه آن در مطالعات معماری و بررسی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

ابعـاد و تعاریـف آن بپردازیم.

۴-۵-۲. رابطه فرهنگ و معماری

آنچـه بـه عنوان فرهنـگ برشـمردیم (قوانین، ارزشـها و...) تنهـا بخشـی از فرهنـگ هر جامعه اسـت. فرهنگ، دارای بعـدی دیگـر نیـز هسـت بـه نـام بعـد مـادی و منظـور از آن، سـاختمان هـا، بناهـا، کارخانـه هـا و ... اسـت. درواقـع، ایـن امـور را نیـز جزئـی از فرهنگ یک جامعه میشـمارند. چون ریشـه در ارزش هـا، باورها و... دارنـد و از همیـن جا حلقـه ارتباط فرهنـگ و معماری نمایـان میشـود. «جهـت گیـری فرهنـگ هـا، همـواره بـر مبنـای فطـرت بشـری و اندیشـه او انجـام میشـود و همیـن مسـیر در شـکل دهـی بـه فضـای زیسـت و پیدایـش معماری مؤثراسـت، چراکه ایـن فضا به عنوان یـک نیاز بشـری مطـرح اسـت و اینگونه نیازهـا همواره در مسـیر عقـل و فطـرت الهـی پاسـخ داده میشـوند» (فلاحـی، ۱۳۹۲). شـکل و رفتـار هر جامعهای به ابزار و اشـیای خاصـی نیازمنـد اسـت کـه معمـار بایـد این وسـایل را در نظـر بگیرد؛ هر سـاختمانی بـه دلیل آنکه شـامل فعالیت های متفاوتی اسـت از فضاهای متنوعی برخـوردار اسـت و الـزم اسـت ایـن فضاهـا بـا یکدیگـر ارتباط داشـته باشـند و به گونه ای خاص سـازماندهی شـود. یکـی از عواملی کـه تعیین کننده ایـن ارتباطات اسـت، فرهنـگ اسـت. فرهنـگ تعییـن میکنـد که چه فضاهایـی باهمدیگـر ارتبـاط داشـته باشـند و میـزان ارتبـاط چقـدر باشـد (مهـدوی پـور، ۱۳۷۷، ص ۵۷). چنانچـه معمـاری را سـاخت و سـازی بـر اسـاس قالب هـای ذهنی بنامیم (راپاپـورت، ۱۳۸۲، ص ۶۹)، متوجه مـی شـویم کـه شـکل و نظـام سـازماندهی شـهر و معمـاری هر منطقـه متاثر از محیط فرهنگی آن اسـت. در همین راسـتا می توان بیان کرد که اساسـا شـناخت مسـکن از طریـق شـناخت لایه هـای مختلـف تاثیرات فرهنگـی امـکان پذیـر اسـت (Baydar,۲۰۰۴:۱۹). عـده ای اینگونـه معتقدنـد کـه معمـاری نیـز هماننـد لبـاس و سـایر وسـایل انسـانی وسـیله ای اسـت بـرا تطابـق بـا محیـط بـدون تغییـر سـاختار بـدن انسـان (Dezuari,۲۰۱۰:۴۴۶). و آنچـه ایـن تطابـق را ممکن مـی سـازد، فرهنگ و یا بـه عبارتی نظام ذهنی اوسـت (عسـکری خانقـاه و کمالـی، ۱۳۸۷). بدیـن لحـاظ اسـت کـه بنـا را مـی تـوان، نهـاد و پدیـده اساسـی فرهنـگ (راپاپـورت، ۱۳۸۲، ص ۵۷) و نشـانه یـک باور (راپاپـورت، ۱۳۸۲، ص ۴) دانسـت. تـا حدی که حاضر اسـت خواسـته هـای خـود را بـر مشـکلات اجرایـی و اقتصـادی برتری دهـد (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۵۴، و راپاپـورت، ۱۳۸۲، ص ۶۷).

۴-۶. فرهنگ سکونتی

فرهنـگ رابطـی اسـت بیـن انسـان و محیـط بیـرون تـا ریشـه او را هـم در طبیعـت و هـم در جامعـه مسـتحکم سـازد. بـه کمـک فرهنگ انسـان هـا به هم وابسـته و نزدیـک میشـوند و بـا مشـترکات ذهنـی که زائیـده همیـن فرهنـگ اسـت، ملـت بـه وجـود میآید کـه پیونـدگاه او را اشـتراکی اسـت در خاطـره هـا و اشـتراک در چیزهایـی که دوسـت میدارند و اشـتراک در چیزهایـی کـه دشـمن میدارنـد و اشـتراک زبـان و چیزهایـی دیگـر. فرهنـگ بـه معنای خاص به سـرمایه معنـوی یـک قـوم گفته میشـود که همـه آثـار ادبی و هنـری را در برمـی گیـرد. یکـی ازتفـاوت هـای اصلـی درفرهنـگ هـای مختلـف ایـن اسـت کـه فرهنـگ هـا تعمیـم دهنـده اشـکال رفتـاری وتشـریحی متفاوتـی ازسـازواره بشـری هسـتند. هرکجاکه اقتبـاس فرهنگی دربیـن باشـد، موضوع اقتباس شـده بایسـتی بافرهنگ جدیدتوافـق داشـته باشـد.درغیراین صـورت تغییـرات قدیـم وجدیـد باهـم همسـازی نداشـته، و در بعضـی موارد،حتـی دوالگـوی کامـلا متناقض هسـتند (پاکزاد، ۱۳۷۵، ص ۴۵).

۴-۶-۱. ریشه های ایده تاثیر محیط بر انسان

معانـی نمادیـن محیـط مصنـوع و عناصـر آن (مثـل شـهرها، معابـد، آرامـگاه هـا، مقابـر و خانـه هـا) در هر یـک از تمـدن هـای بشـری گویـای معنایـی اسـت که محیـط بـه ذهـن انسـان متبـادر نمـوده و بالنتیجـه بر ادراک او از محیـط و بر رفتـارش در محیط تاثیر کرده، و در نهایـت فرهنـگ او را شـکل داده و متحـول مـی نمـوده اسـت. ادیـان الهی نیز مـکان هایی را بـه عنوان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

مـکان و فضـای مقـدس معرفی نمـوده اند، کـه همین امـر عامـل بنیادین تعریـف و تعیین کیفیـت فضا بوده اسـت. تاثیـر محیـط بر انسـان موضوع جدیدی نیسـت و از قدیـم الایـام مـورد توجه فلاسـفه و مصلحین بوده است.

۴-۶-۲. فرهنگ ساکنین و محیط مصنوع

در طراحـی محیـط هـای مصنوع، کـاربران در گـروه هـای اجتماعـی مختلـف از موضـوعات کلیـدی مـیباشـند و در بیشـتر اوقات فرهنگ کاربران متفاوت از فرهنگ طراحـان مـیباشـد. ایـن تفـاوت هـا ممکـن اسـت حتـی در خرده فرهنگ هـا نیـز وجـود داشـته باشـد.

۵. مبانـی نظـری بلندمرتبـه سـازی و فرهنـگ سکو نتی

در ایـن بخـش از پژوهـش ابتـدا بـه بررسـی نظریـات جامعـه شناسـی و فرهنگـی غالب بر سـکونت خواهیم پرداخـت و پـس از آن بـه بررسـی نظریـات مرتبـط بـا بلنـد مرتبـه سـازی خواهیـم پرداخـت.

۵-۱. نظریه جبرگرایی

از نظریـه هـای مهـم در مورد مسـایل جامعه شناسـی شـهری، تئـوری جبرگرایـی یـا اکولوژیکـی را می توان نـام بـرد. جبـر گرایـان مدعـی انـد شهرنشـینی نـا بـه سـامانی هـای شـخصیتی و اجتماعـی را افزایـش مـی دهـد (صدیـق سروسـتانی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۹). مفاهیـم مـورد اسـتفاده در بـوم شـناختی که پـارک پایـه گذار آن بـود بـه شـرح زیر اسـت.

۱- تسـلط: بـه ایـن معنـا کـه درخـت بلنـد برمحیـط مسـلط مـی شـودونور را بـه خـود تخصیص مـی دهد.
۲- هجـوم و اسـتقرار: هجـوم بـه معنـی حرکـت یـک گـروه نـژاد ی یـا قومـی بـه یـک منطقه اسـت کـه در صـورت موفقیت بـه اسـتقرار آن گروه منجر می شـود.
۳- همزیسـتی: ایـن مفهـوم به معنی وابسـتگی متقابل سـازواره هـای متفاوت و اجتماعی اسـت.

پـارک معتقد بـود که اجتمـاع همانند محیـط طبیعی اسـت و در آن جریـان هـای شـبه فرهنگـی ماننـد رقابـت، همـکاری، تضـاد و یگانـه شـدن وجـود دارد .یعنـی اجتمـاع شـهری محیطی زنـده اسـت که تحت تأثیر نیروهای شـبه طبیعی و شـبه فرهنگی قرار دارد. آنچـه او در نظـر دارد، حرکت جمعیت با بررسـی سـن، جنسـیت، نـژاد، قومیـت و ابعـادی از ایـن قبیل اسـت. بـه عقیـده پـارک حتـی حرکتهای بـوم شـناختی مثل نیروهای شـبه فرهنگی می تواند در شـکل شـهر تأثیر داشـته باشـد (ممتـاز، ۱۳۸۱، صـص ۱۲۹-۱۲۴).

۵-۲. رویکرد ترکیب گرایی

در مقابـل نظریـه جبرگرایی، دیدگاه یـا نظریه ترکیبی (فضایـی) قـرار دارد. از میـان نظریـه پـردازان ایـن دیـدگاه، هربـرت گانز جایگاه مهمـی دارد (گانز ۱۹۶۸، نقـل از کامـران و همـکاران، ۱۳۸۸، صـص ۳۴-۲۹). از نظریـه پـردازان این دیـدگاه می توان به اسـکارلوئیس، گریگوری اسـتون، دانکـن و رایزر، جرالدسـتلز، جاکوبز و گنـز اشـاره کـرد. گنز جایـگاه مهمی در میـان نظریه پـردازان ترکیـب گـرا دارد و معتقـد اسـت حیـات اجتماعی شهرنشـینان بیشـتر به عوامل غیـرا قتصادی ماننـد طبقـه اجتماعی، قومیـت و مراحل عمر وابسـته اسـت. بـه نظـر وی خـلاف آنچـه جبرگرایـان مدعـی شـده انـد، عوامل اکولوژیکـی، مخصوصا انـدازه و تراکم جمعیـت و ناهمگونـی گروههـای شـهری هیـچ گونـه عارضـه مسـتقیم و تـأ ثیـر جـدی بـر زندگـی افـراد شهرنشـین نـدارد (گنـز، ۱۹۶۸، ص ۳۴). گنـز شـیوه هـای مختلـف زندگی را متأثـر از ویژگی هـای عمومی اجتماعـی مثـل سـن، درآمد یا سـطح سـواد افـراد می دانسـت. گنـز بـر همین اسـاس چهـار گـروه اجتماعی (جهـان وطنـان، مجـردان یـا بـی بچه هـا، روسـتاییان قـوم گـرا، محرومـان در تلـه افتـاده) را در شـهرهای آمریکایـی شناسـایی کرد و چهار شـیوه خـاص زندگی ایشـان را مـورد بررسـی قـرار داد (صدیق سروسـتانی، ۱۳۶۹، صـص ۲۱۰-۲۰۹).

۵-۳. رویکرد فرهنگ گرا

دیـدگاه سـوم یعنـی نظریه خـرده فرهنگی یـا فرهنگ گـرا بینشـی جدیـد و در اصـل سـنتز دو نظریـه فـوق الذکراسـت یعنـی ایـن دیـدگاه در حالـی کـه فرضیـه اصلـی نظریـه ترکیبـی را تأیید مـی کند، بـه این نکته

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

نیـز مـی پـردازد کـه شهرنشـینی اثـرا ت خاصـی بـر شهرنشـینان مـی گـذارد و پیامدهایـی نیـز دربـردارد . از یـک طـرف جمعیـت زیـاد شـهر باعـث پیدایـش گـروه هـای اجتماعـی مـی شـود. مانفـرد کان معتقـد اسـت واکنـش افـراد در مقابـل اشـیاء و پدیـده هـا و موضوعـات مختلـف، بر اسـاس معنای آنهـا رخ میدهد؛ یعنـی فـرد در جریـان کنـش و برخـورد مسـتقیم و تجربه داشـتن از شـیء یا موضوع آن را تعبیر و تفسـیر کـرده و بـا توجه بـه ارزیابی هایش نگـرش خاصی پیدا میکنـد. مانفـرد کان در بیـان فایـده و اهمیـت دیدگاه های کیفی و انفرادی انسـان نظیر نگرشـها و رفتارهای وی بـرای کنـش متقابـل نمادیـن چنین بیـان میکند: «افـراد هویـت خـود را طـی جریـان تماس بـا دیگران کسـب میکننـد و از آنجا که رفتار و گرایـش افراد دربار هـی خویشـتن حاصل چیزی اسـت که دیگـران درباره فـرد میاندیشـند، گرایش هـا و رفتارهای آشـکار همان چیـزی اسـت کـه از دیگـران بهـره داشـته و در جریان تماس و معاشـرت کسب میشـود» (توسلی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۵).

۵-۳-۱. عوامـل فرهنگـی اجتماعـی دخیـل در بناهـای مرتفع

اجتمـاع و فرهنـگ نقـش کلیـدی را در پذیرفتـن یـا نپذیرفتـن توسـعه سـاختمان های بلند بـازی می کند. در جوامعـی کـه زندگـی در بناهـای مرتفع یـک قاعده اساسـی اسـت، فرهنـگ محلـی بـدون هیـچ مشـکلی بـا اضافـه کـردن سـاختمان هـای بلنـد جدیـد شـکل مـی گیـرد. مردمـی که متولـد و در سـاختمانهای بلند تربیـت مـی شـوند معمـولاً هیـچ مشـکلی بـرای ادامه زندگـی در ایـن محیـط ندارنـد. در مقابـل، مـردم در برخـی از جوامـع سـنتی که بـرای قرنها در سـاختمان هـای بـا ارتفـاع کم زندگـی کـرده اند ممکن اسـت در ابتدا احساسـی از ناراحتـی در زندگی در بناهای مرتفع داشـته باشـند تـا زمانـی کـه آن هـا خـود را بـا شـیوه جدیـد زندگـی تطبیق دهنـد. در واقع، نوعـی از روابط اجتماعـی در بناهـای مرتفـع ایجاد شـده کـه متفاوت اسـت از آن چه در سـاختمان های کوتـاه مرتبه تجربه مـی شـود (Belinda Yuen, ۲۰۰۶). سـاختمان های مسـکونی بلنـد، بـه طـور خـاص، بـه اثـرات اجتماعـی مرتبـط اسـت. بسـیاری از محققـان در مـورد اثـرات اجتماعـی و روانـی زندگی در مسـکن بلند مرتبـه ابراز نگرانـی کـرده انـد. در حالـی کـه بناهـای بلنـد ممکن اسـت بـرای مـردم تنها و زوج هـای جـوان؛ و برای یک خانـواده بـا کـودکان کمتر مطلوب باشـد.

۶. بلند مرتبه سازی و فرهنگ سکونتی

در ایـن بخـش بـه جمـع بنـدی مطالـب فـوق و ادغام ایـن دو نظریـه پرداختـه مـی شـود. عواملـی کـه در فرهنـگ و سـکونت در شـهر نیـز تاثیـر مـی گـذارد بایـد لیسـت شـود؛ عوامـل بـه وجـود آورنـده هویـت؛ تعامـلات اجتماعـی: همسـایگی؛ حـس تعلق بـه مکان: طـول مدت سـکونت، افزایش سـلامت، امنیـت، تعامل اجتماعی؛ دلبسـتگی: احسـاس رضایت؛ شخصی سازی محیـط: قلمـرو، احتـرام به خـود، حس مالکیـت. ایجاد هویـت تعلـق مکانـی را افزایـش مـی دهـد و در نتیجه احسـاس رضایت را بیشـتر می کند کـه کیفیت محیط مـی توانـد ایـن عوامـل را معرفـی کند.

۷. یافته های پژوهش

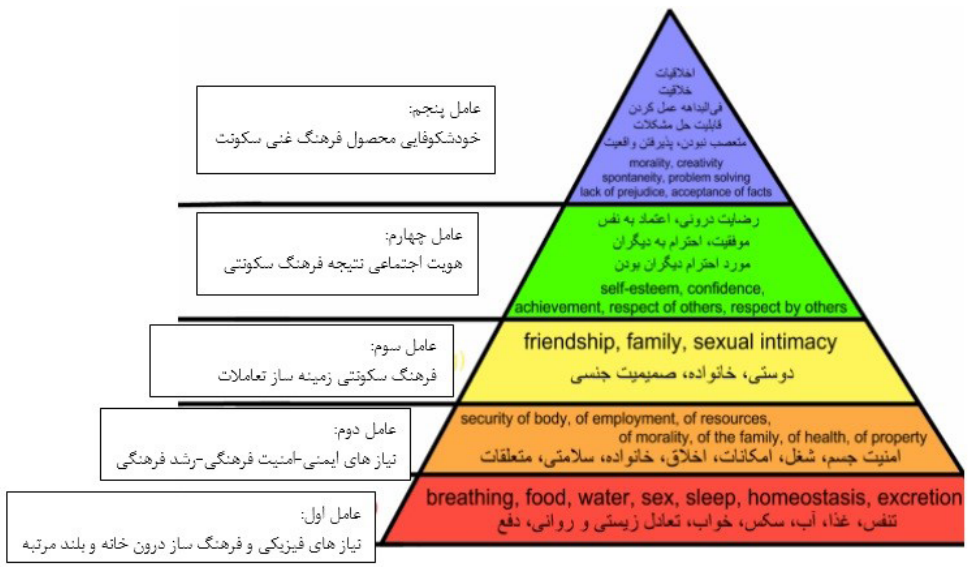
اولیـن گام در ایـن پژوهـش شناسـایی مهم‌تریـن شـاخص‌های بلنـد مرتبـه سـازی مؤثـر بـر فرهنـگ سـکونتی می‌باشـد. بـرای ایـن منظـور طـی یـک بررسـی مبانـی نظـری، عمده‌تریـن شـاخص‌های مؤثر در بلندمرتبـه سـازی، شناسـایی گردیـد. سـپس ایـن شـاخص‌های بـر اسـاس یک اجمـاع نظر از خبـرگان با اسـتفاده از روش دلفـی مـورد تحلیـل قـرار گرفـت که در ادامـه بـه این فرایند و نتایج آن اشـاره شـده اسـت. دو مـورد بیـان شـده (تسـت ۰/۱ و حذف شـاخص بی اهمیـت) در مرحلـه سـوم نیـز صـورت می گیـرد. بـر اسـاس منطـق روش دلفی، معیار اختـلاف میانگین، دو تکـرار آخر می‌باشـد. بدیـن معنی که در مرحله سـوم، اختـلاف بیـن میانگیـن امتیـازات در دور دوم و سـوم مقایسـه می گردنـد. ایـن فراینـد تـا زمانی کـه تمامی اختلافـات کمتـر از ۰/۱ شـود، ادامه می یابـد. دور اول روش دلفـی. در پرسشـنامه دلفـی از پاسـخ دهندگان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۱. مولفه های تاثیر بلندمرتبه سازی بر فرهنگ سکونتی؛ ماخذ: فراستی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵.

	مولفه های تاثیر بلندمرتبه سازی بر فرهنگ سکونتی
عامل اول نیازهای فیزیکی	تناسبات؛ محصوریت؛ تعین فضایی؛ مقیاس انسانی؛ وضوح؛ پیوستگی فضایی ؛فضای سبز؛ تراکم؛ نفوذپذیری؛ فضای باز؛ تنوع محیط
عامل دوم نیاز ایمنی و آرامش	فرهنگ امنیتی؛ آسایش؛ امنیت فضای کودکان؛ کنترل تداخل فضایی؛ نظارت اجتماعی؛ شبکه دسترسی؛ کنترل محیط بر انسان
عامل سوم فرهنگ سکونتی و تعاملات اجتماعی	مشارکت اجتماعی؛ حضور پذیری؛ تعامل انسان در محیط؛ ساختار اجتماعی؛ واکنش اجتماعی؛ پیوستگی فعالیتی؛ عدم پذیرش غریبه ها؛ فرصت برقراری ارتباط میان انسان و فضا؛ مکان های مردمی
عامل چهارم فرهنگ سکونتی و هویت اجتماعی	غنی بودن محیط؛ خوانایی؛ خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)؛ ایجاد سلسله مراتب در قلمرو؛ حریم؛ نمادین بودن؛ تشخص فضایی
عامل پنجم فرهنگ سکونتی و نظم و خودشکوفایی	وحدت و نظم اجتماعی؛ عزت نفس؛ حس تعلق و دلبستگی به محیط؛ زیبایی؛ سرزنده و خوشایند بودن؛ محیط معنا

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017



(خبرگان) خواسته شد تا میزان تأثیر هر یک از ۴۱ شاخص ها بر طراحی فضای شهری انعطاف پذیر را با انتخاب یکی از گزینه های موجود اعلام کنند. این گزینه ها به صورت طیف لیکرت بوده است. چنانچه در جدول (۲) مشاهده می شود، در سنجش دور اول بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص های «سرزنده و خوشایند بودن و حس تعلق و دلبستگی به محیط» و کمترین امتیاز به شاخص های «تغییر پذیری و پیوستگی فضایی و غنی بودن محیط» داده شده است.

دور دوم روش دلفی. در بخش اول از پرسشنامه دور دوم روش دلفی، مجموعه شاخص هایی ارائه گردید که به استناد مرحله اول دلفی به عنوان شاخص های مؤثر بر بلندمرتبه سازی تشخیص داده شد. بخش

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۲. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلفی دور اول)؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
۱. تناسبات	۳۲	۳,۸۹	۰/۷۴	۱۰
۲. محصوریت	۳۲	۳,۵۶	۰/۶۸	۲۳
۳. تعین فضایی	۳۲	۳,۳۱	۰/۷۷	۳۴
۴. مقیاس انسانی	۳۲	۳,۵۹	۰/۷۰	۱۹
۵. وضوح	۳۲	۳,۵۶	۰/۷۴	۲۵
۶. پیوستگی فضایی	۳۲	۳,۰۱	۰/۷۴	۴۰
۷. فضای سبز	۳۲	۳,۵۷	۰/۵۶	۲۱
۸. تراکم	۳۲	۳,۸۱	۰/۷۷	۱۲
۹. تغییر پذیری	۳۲	۲,۹۲	۰/۵۸	۴۱
۱۰.نفوذپذیری	۳۲	۴,۳۵	۰/۸۱	۵
۱۱.فضای باز	۳۲	۳,۵۸	۰/۶۴	۲۰
۱۲.تنوع محیط	۳۲	۳,۳۵	۰/۸۶	۳۲
۱۳.فرهنگ امنیتی	۳۲	۴,۱۵	۰/۶۲	۷
۱۴.آسایش	۳۲	۴,۴۰	۰/۵۱	۴
۱۵.امنیت فضای کودکان	۳۲	۳,۷۲	۰/۷۵	۱۵
۱۶.کنترل تداخل فضایی	۳۲	۳,۴۱	۰/۹۶	۳۰
۱۷.نظارت اجتماعی	۳۲	۴,۲۷	۰/۹۷	۶
۱۸.شبکه دسترسی	۳۲	۳,۶۹	۰/۹۸	۱۷
۱۹.کنترل محیط بر انسان	۳۲	۳,۴۹	۰/۸۶	۲۷
۲۰.مشارکت اجتماعی	۳۲	۳,۶۲	۰/۷۷	۱۸
۲۱.حضور پذیری	۳۲	۳,۷۶	۰/۸۰	۱۴
۲۲.تعامل انسان در محیط	۳۲	۳,۵۶	۰/۶۹	۲۲
۲۳.ساختار اجتماعی	۳۲	۳,۴۷	۰/۶۹	۲۸
۲۴.واکنش اجتماعی	۳۲	۳,۱۹	۱/۱۲	۳۷
۲۵.پیوستگی فعالیتی	۳۲	۳,۲۷	۱/۰۹	۳۳
۲۶.عدم پذیرش غریبه ها	۳۲	۳,۸۳	۱/۱۳	۱۱
۲۷.فرصت برقراری ارتباط میان انسان و فضا	۳۲	۳,۲۸	۱/۰۰	۳۶
۲۸.مکان های مردمی	۳۲	۳,۹۶	۰/۷۴	۹
۲۹.غنی بودن محیط	۳۲	۳,۰۷	۰/۷۴	۳۹
۳۰.خوانایی	۳۲	۳,۷۱	۰/۶۶	۱۶
۳۱.خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۳۲	۴,۴۲	۰/۷۷	۳

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

۳۲.ایجاد سلسله مراتب در قلمرو	۳۲	۳,۱۵	۰/۵۸	۳۸
۳۳.حریم	۳۲	۳,۵۷	۰/۸۱	۲۶
۳۴.نمادین بودن	۳۲	۳,۷۹	۰/۶۴	۱۳
۳۵.تشخص فضایی	۳۲	۳,۳۸	۰/۸۵	۳۱
۳۶.وحدت و نظم اجتماعی	۳۲	۴,۰۸	۰/۶۲	۸
۳۷.عزت نفس	۳۲	۳,۲۹	۰/۵۱	۳۵
۳۸.حس تعلق و دلبستگی به محیط	۳۲	۴,۵۹	۰/۷۵	۲
۳۹.زیبایی	۳۲	۳,۵۵	۰/۹۶	۲۴
۴۰.سرزنده و خوشایند بودن	۳۲	۴,۶۱	۰/۹۷	۱
۴۱.محیط معنا	۳۲	۳,۴۴	۰/۹۳	۲۹

جدول ۳. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلفی دور دوم)؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
۱. تناسبات	۳۲	۳,۷۱	۰/۷۴	۱۳
۲. محصوریت	۳۲	۳,۴۶	۰/۶۸	۲۰
۳. مقیاس انسانی	۳۲	۳,۵۵	۰/۷۰	۱۹
۴. وضوح	۳۲	۳,۱۵	۰/۷۴	۲۲
۵. فضای سبز	۳۲	۳,۰۳	۰/۵۶	۲۳
۶. تراکم	۳۲	۳,۷۸	۰/۷۷	۱۲
۷. نفوذپذیری	۳۲	۴,۲۴	۰/۸۱	۶
۸. فضای باز	۳۲	۲,۸۵	۰/۶۴	۲۴
۹. فرهنگ امنیتی	۳۲	۴,۱۱	۰/۶۲	۸
۱۰.آسایش	۳۲	۴,۷۳	۰/۵۱	۱
۱۱.امنیت فضای کودکان	۳۲	۳,۶۲	۰/۷۵	۱۶
۱۲.نظارت اجتماعی	۳۲	۴,۶۹	۰/۹۷	۲
۱۳.شبکه دسترسی	۳۲	۳,۵۷	۰/۹۸	۱۸
۱۴.مشارکت اجتماعی	۳۲	۳,۶۳	۰/۷۷	۱۵
۱۵.حضور پذیری	۳۲	۳,۸۵	۰/۸۰	۱۱
۱۶.تعامل انسان در محیط	۳۲	۳,۴۲	۰/۶۹	۲۱
۱۷.عدم پذیرش غریبه ها	۳۲	۳,۶۵	۱/۱۳	۱۴
۱۸.مکان های مردمی	۳۲	۴,۱۶	۰/۷۴	۷
۱۹.خوانایی	۳۲	۲,۵۹	۰/۶۶	۲۷
۲۰.خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۳۲	۴,۴۲	۰/۷۸	۵
۲۱.حریم	۳۲	۲,۷۹	۰/۸۱	۲۵
۲۲.نمادین بودن	۳۲	۳,۹۴	۰/۶۴	۱۰
۲۳.وحدت و نظم اجتماعی	۳۲	۴,۰۵	۰/۶۲	۹
۲۴.حس تعلق و دلبستگی به محیط	۳۲	۴,۶۱	۰/۷۵	۳
۲۵.زیبایی	۳۲	۲,۶۴	۰/۹۶	۲۶
۲۶.سرزنده و خوشایند بودن	۳۲	۴,۵۱	۰/۹۴	۴
۲۷.مدیریت شهری	۳۲	۳,۶۱	۰/۶۳	۱۷

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

دوم پرسشنامه نیز به پرسش در خصوص اهمیت شاخص ها در حالت اصلاح شده و جدید می پردازد که اصلاحات آن در ادامه بیان شده است. با توجه به پیشنهاد مطرح شده توسط تعدادی از خبرگان، «مدیریت شهری» به پرسشنامه دور دوم اضافه گردید.

بنابراین، در پرسشنامه دوم، لیستی از شاخص جدید پیشنهادی و شاخص های باقیمانده، را تشکیل داد. پرسشنامه دور دوم دلفی (شامل ۲۷ شاخص) نیز به همان ۳۲ نفر تحویل داده شد که شاخص های مذکور به شرح جدول (۳) می باشند. چنانچه در جدول (۳) مشاهده می شود، در سنجش دور دوم بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص «آسایش» و کمترین امتیاز به شاخص اهمیت «خوانایی» داده شده است. شایان ذکر است مقایسه میانگین امتیازات شاخص ها در دور مرحله اول و دوم دلفی، در جدول (۴) آمده است.

با توجه به اطلاعات جدول (۴)، ۱۴ شاخص از پرسشنامه دور دوم کنار گذاشته شد که در این بین ۸ شاخص «محصوریت»، «وضوح»، «فضای سبز»، «فضای باز»، «تعامل انسان در محیط»، «خوانایی»، «حریم» و«زیبایی»، به دلیل امتیاز کمتر حذف و ۶ شاخص «مقیاس انسانی»، «تراکم»، «فرهنگ امنیتی»، «وحدت و نظم احتماعی»، «حس تعلق و دلبستگی به محیط» و «سرزنده و خوشایند بودن» نیز به دلیل اتفاق نظر جمعی مورد پذیرش قرار گرفتند و در مرحله سوم مورد سنجش قرار نمی گیرد.

دور سوم روش دلفی. در این دور، مشابه روش دور دوم عمل گردید. پرسشنامه دور سوم با ۱۳ شاخص توزیع که نتایج آن در جدول (۵) آمده است.

در سنجش دور سوم بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص «نظارت اجتماعی» و کمترین امتیاز به شاخص اهمیت «امنیت فضای کودکان» داده شده است. همچنین مقایسه میانگین در دور دوم و سوم نیز به صورت جدول (۶) نشان داده شده است.

با توجه به نتایج جدول (۶)، می توان گفت: اولاً، نظرات در خصوص تمامی شاخص ها به جز ۴ شاخص که دارای امتیاز پایین می باشد، به دلیل آنکه اختلاف کمتر از ۰/۱ را در مقایسه دو مرحله آخر داشته اند، به جمع بندی نهایی رسیده است. علاوه بر این، با حذف چهار شاخص «امنیت فضای کودکان»، «عدم پذیرش غریبه ها»، «خاطره انگیز بودن» و «نمادین بودن» که دارای امتیاز کمتر از ۳,۵ بودند و امتیاز بالاتر از ۳,۵ برای اکثر شاخص ها نشان دهنده، مؤثر بودن آن ها در فرهنگ سکونتی متاثر از بلندمرتبه سازی می باشد.

بر طبق جدود (۷) مقدار ۰,۰۲۴، ۰,۰۴۹ و ۰,۰۱۲ شاخص های معنی دار که کمتر از معیار ۰,۰۵ می باشد، همبستگی پاسخ ها را تأیید می-کنند. همچنین مقدار بالاتر از ۰/۵ برای ضریب دبلیوی کندال نیز تطابق قابل قبول نظرات را در این آزمون نشان می دهد. شایان ذکر است با توجه به اینکه در آزمون دبلیو کندال، مقدار درجه آزادی بر اساس تعداد گویه ها محاسبه (و نه تعداد مشاهدات) بنابراین در این مرحله برای ۴۱ گویه مورد آزمون، درجه آزادی ۴۰=۱-۴۱ تعیین شده است. چنانچه در جداول (۷) مشاهده می شود، مقدار ضریب همبستگی در طی سه مرحله رو به افزایش است که این امر ضمن تأیید همگرایی و هم سو شدن نظرات خبرگان در طول فرایند آزمون، بیانگر میزان بالای اجماع نظر ۷۲,۵ درصدی در متغیرهای تعریف شده می باشد. در مجموع ۱۵ شاخص زیر با استفاده از مدل دلفی به عنوان شاخص ها اصلی در خصوص تاثیر بلند مرتبه سازی در فرهنگ سکونتی استخراج گردید که بر اساس امتیازات کسب شده توسط هر شاخص از مدل دلفی، جدول رتبه بندی شاخص ها ارائه گردیده است.

۸. نتیجه گیری و جمعبندی

همان گونه که انسان بر اساس باورها و سنت و جهان بینی و فرهنگ خویش محیطی را می سازد که بتواند ضمن آن که آیینه اصول و ارزش هایش

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۴. میزان اختلاف دیدگاه خبرگان در نظرسنجی مرحله اول و دوم؛ مأخذ: یافته‌های پژوهش

شاخص	میانگین مرحله اول	میانگین مرحله دوم	اختلاف میانگین
۱. تناسبات	۳,۸۹	۳,۷۱	۰,۱۸
۲. محصوریت	۳,۵۶	۳,۴۶	۰,۱
۳. تعین فضایی	۳,۳۱	***	***
۴. مقیاس انسانی	۳,۵۹	۳,۵۵	۰,۰۴
۵. وضوح	۳,۵۶	۳,۱۵	۰,۴۱
۶. پیوستگی فضایی	۳,۰۱	***	***
۷. فضای سبز	۳,۵۷	۳,۰۳	۰,۵۴
۸. تراکم	۳,۸۱	۳,۷۸	۰,۰۳
۹. تغییر پذیری	۲,۹۲	***	***
۱۰.نفوذپذیری	۴,۳۵	۴,۲۴	۰,۱۱
۱۱.فضای باز	۳,۵۸	۲,۸۵	۰,۷۳
۱۲.تنوع محیط	۳,۳۵	***	***
۱۳.فرهنگ امنیتی	۴,۱۵	۴,۱۱	۰,۰۴
۱۴.آسایش	۴,۴۰	۴,۷۳	۰,۳۳
۱۵.امنیت فضای کودکان	۳,۷۲	۳,۶۱	۰,۱۱
۱۶.کنترل تداخل فضایی	۳,۴۱	***	***
۱۷.نظارت اجتماعی	۴,۲۷	۴,۶۹	۰,۴۲
۱۸.شبکه دسترسی	۳,۶۹	۳,۵۷	۰,۱۲
۱۹.کنترل محیط بر انسان	۳,۴۹	***	***
۲۰.مشارکت اجتماعی	۳,۶۲	۳,۶۳	۰,۰۱
۲۱.حضور پذیری	۳,۷۶	۳,۹۱	۰,۱۵
۲۲.تعامل انسان در محیط	۳,۵۶	۳,۴۰	۰,۱۶
۲۳.ساختار اجتماعی	۳,۴۷	***	***
۲۴.واکنش اجتماعی	۳,۱۹	***	***
۲۵.پیوستگی فعالیتی	۳,۲۷	***	***
۲۶.عدم پذیرش غریبه ها	۳,۸۳	۳,۶۵	۰,۱۸
۲۷.فرصت برقراری ارتباط میان انسان و فضا	۳,۲۸	***	***
۲۸.مکان های مردمی	۳,۹۶	۴,۱۶	۰,۲۰
۲۹.غنی بودن محیط	۳,۰۷	***	***
۳۰.خوانایی	۳,۷۱	۲,۵۹	۱,۱۲

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

شاخص	میانگین مرحله اول	میانگین مرحله دوم	اختلاف میانگین
۳۱.خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۴,۴۲	۴,۴۳	۰,۰۱
۳۲.ایجاد سلسله مراتب در قلمرو	۳,۱۵	***	***
۳۳.حریم	۳,۵۷	۲,۹۵	۰,۶۲
۳۴.نمادین بودن	۳,۷۹	۳,۹۴	۰,۱۵
۳۵.تشخص فضایی	۳,۳۸	***	***
۳۶.وحدت و نظم اجتماعی	۴,۰۸	۴,۱۵	۰,۰۷
۳۷.عزت نفس	۳,۲۹	***	***
۳۸.حس تعلق و دلبستگی به محیط	۴,۵۹	۴,۶۱	۰,۰۲
۳۹.زیبایی	۳,۵۵	۲,۶۴	۰,۹۱
۴۰.سرزنده و خوشایند بودن	۴,۶۱	۴,۵۱	۰,۱۰
۴۱.محیط معنا	۳,۴۴	***	***
۴۲.مدیریت شهری	***	۳,۶۱	***

جدول ۵. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلفی دور سوم) ؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
۱. تناسبات	۳۲	۳,۳۷		۱۰
۲. نفوذپذیری	۳۲	۴,۳۲		۳
۳. آسایش	۳۲	۴,۶۹		۲
۴. امنیت فضای کودکان	۳۲	۳,۲۸		۱۳
۵. نظارت اجتماعی	۳۲	۴,۷۵		۱
۶. شبکه دسترسی	۳۲	۳,۶۱		۷
۷. مشارکت اجتماعی	۳۲	۳,۵۸		۸
۸. حضور پذیری	۳۲	۳,۹۴		۵
۹. عدم پذیرش غریبه ها	۳۲	۳,۳۲		۱۱
۱۰.مکان های مردمی	۳۲	۴,۲۳		۴
۱۱.خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۳۲	۳,۴۶		۹
۱۲.نمادین بودن	۳۲	۳,۴۷		۷
۱۳.مدیریت شهری	۳۲	۳,۶۲		۶

بوده و او را در جهت وصول به آن ها یاری نماید، در دهه های اخیر به شیوه های گوناگون این موضوع مورد بررسی و تایید قرار گرفته که محیط تاثیری جدی بر رفتار و روان و در نتیجه تغییرات فرهنگی انسان دارند. با توجه به مفهوم بلند مرتبه سازی و شاخص های مربوط به آن مواردی مورد تایید قرار گرفت که بر فضای فرهنگی سکونت تاثیرات مهم و مفیدی واقع گردیده است و در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده از شاخص های استخراج شده از مبانی و مدل دلفی ۱۵ شاخص به عنوان شاخص های بلند مرتبه سازی شناخته شد که با توجه به رتبه بندی انجام شده قابلیت های نظارت اجتماعی، آسایش، حس تعلق و دلبستگی به محیط و سرزنده و خوشایند بودن را می توان به عنوان مهمترین

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۶. میزان اختلاف دیدگاه خبرگان در نظرسنجی مرحله دوم و سوم؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	میانگین مرحله دوم	میانگین مرحله سوم	اختلاف میانگین
۱. تناسبات	۳,۷۱	۳,۶۲	۰/۰۹
۲. محصوریت	۳,۴۶	---	---
۳. مقیاس انسانی	۳,۵۵	---	---
۴. وضوح	۳,۱۵	---	---
۵. فضای سبز	۳,۰۳	---	---
۶. تراکم	۳,۷۸	---	---
۷. نفوذپذیری	۴,۲۴	۴,۳۲	۰,۰۸
۸. فضای باز	۲,۸۵	---	---
۹. فرهنگ امنیتی	۴,۱۱	---	---
۱۰.آسایش	۴,۷۳	۴,۶۹	۰,۰۴
۱۱.امنیت فضای کودکان	۳,۶۲	۳,۲۸	۰,۳۴
۱۲.نظارت اجتماعی	۴,۶۹	۴,۷۵	۰,۰۵
۱۳.شبکه دسترسی	۳,۵۷	۳,۶۱	۰,۰۴
۱۴.مشارکت اجتماعی	۳,۶۳	۳,۵۸	۰,۰۵
۱۵.حضور پذیری	۳,۸۵	۳,۹۴	۰,۰۹
۱۶.تعامل انسان در محیط	۳,۴۲	---	---
۱۷.عدم پذیرش غریبه ها	۳,۶۵	۳,۳۲	۰,۲۳
۱۸.مکان های مردمی	۴,۱۶	۴,۲۳	۰,۰۷
۱۹.خوانایی	۲,۵۹	---	---
۲۰.خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۴,۴۲	۳,۴۶	۰,۹۶
۲۱.حریم	۲,۷۹	---	---
۲۲.نمادین بودن	۳,۹۴	۳,۴۷	۰,۴۷
۲۳.وحدت و نظم اجتماعی	۴,۰۵	---	---
۲۴.حس تعلق و دلبستگی به محیط	۴,۶۱	---	---
۲۵.زیبایی	۲,۶۴	---	---
۲۶.سرزنده و خوشایند بودن	۴,۵۱	---	---
۲۷.مدیریت شهری	۳,۶۱	۳,۶۲	۰,۰۱

جدول ۷. آزمون همبستگی دبلیوی کندال؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

مرحله دلفی	تعداد پاسخگو	ضریب همبستگی دبلیوی کندال	شاخص کای دو	درجه آزادی	شاخص معنی داری (Sig.)
اول	۳۲	۰,۵۴۶	۵۸۲,۰۳۶	۴۰	۰,۰۲۴
دوم	۳۲	۰,۶۲۱	۵۰۸,۸۵۱	۲۶	۰,۰۴۹
سوم	۳۲	۰,۷۲۵	۳۵۱,۷۸	۱۲	۰,۰۱۲

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۸. رتبه بندی شاخص‌های بلندمرتبه سازی با استفاده از مدل دلفی؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	امتیاز	رتبه
۱. نظارت اجتماعی	۴,۷۵	۱
۲. آسایش	۴,۶۹	۲
۳. حس تعلق و دلبستگی به محیط	۴,۶۱	۳
۴. سرزنده و خوشایند بودن	۴,۵۱	۴
۵. نفوذپذیری	۴,۳۲	۵
۶. مکان های مردمی	۴,۲۳	۶
۷. فرهنگ امنیتی	۴,۱۱	۷
۸. وحدت و نظم اجتماعی	۴,۰۵	۸
۹. حضور پذیری	۳,۹۴	۹
۱۰.تراکم	۳,۷۸	۱۰
۱۱.مدیریت شهری	۳,۶۲	۱۱
۱۲.شبکه دسترسی	۳,۶۱	۱۲
۱۳.تناسبات	۳,۶۰	۱۳
۱۴.مشارکت اجتماعی	۳,۵۸	۱۴
۱۵.مقیاس انسانی	۳,۵۵	۱۵

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

شاخص های بلند مرتبه سازی معرفی نمود.

منابع و ماخذ

۱-هایدگر، مارتین، (۱۳۷۷) فلسفه تکنولوژی، آثاری از مارتین هایدگر و ...، مترجم: اعتماد، شاپور، تهران، چهارده

۲-آشوری، داریوش، (۱۳۸۶) تعریفها و مفهوم فرهنگ، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر آگه

۳- یوسفی، ناصح، (۱۳۸۶) نقش فرهنگ شهری و تعاملات اجتماعی در شکل گیری معماری پایدار، مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری پایدار، همدان، آموزشگاه فنی و حرفه ای سما

۴-لنگ، جان، (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه ع عینی فر، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

۵-صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۶۹) نشریه: جامعه شناسی و علوم اجتماعی زمستان ۱۳۶۹، شماره ۴

۶-بحرینی، حسین، (۱۳۷۸) تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ

۷-رفیعی، مینو، (۱۳۸۳) حق مسکن در ایران، سیاست های تامین مسکن برای گروه های خاص، فصلنامه اقتصاد مسکن، شماره ۳۵و۳۶

۸-قائم مقامی، پروین؛ ضرغامی، اسماعیل؛ پوردیهیمی، شهرام (۱۳۸۹) اصول پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی، ۱۳۸۹.

۹-مخبر، عباس، (۱۳۶۳) ابعاد اجتماعی مسکن، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

۱۰-حسامیان، فرخ و دیگران، (۱۳۷۷) شهرنشینی در ایران، تهران، انتشارات آگه، چاپ سوم

۱۱-شکوهی، علی، (۱۳۸۲) بررسی مسائل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی انبوه سازی مسکن در شهر زنجان، فصلنامه انبوه سازان مسکن، شماره ۹و ۱۰

۱۲-رزاقی اصل، سینا؛ مهدوی نیا، مجتبی؛ فیضی محسن؛ دانشپور، عبدالهادی (۱۳۸۹) طراحی شهری عمودی، مفاهیم و الزامات تحقق آن در کلا نشهر تهران، باغ نظر، بهار ۱۳۸۹.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

۱۳-عربی بلاغی، نادر، (۱۳۸۲) الزامات بلند مرتبه سازی به عنوان شکلی از انبوه سازی مسکن، فصلنامه انبوه سازان مسکن، سال سوم، شماره ۹و ۱۰
۱۴-پوردیهیمی، شهرام، (۱۳۹۱) شهر، مسکن و مجموعه ها، تهران، انتشارات آرمان شهر
۱۵-دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۴) لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران
۱۶-عمید، حسن، (۱۳۶۳) فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران
۱۷-معین، محمد، (۱۳۷۱) فرهنگ لغت فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر
۱۸-عینی فر، علیرضا، (۱۳۷۹) عوامل انسانی، محیطی موثر در طراحی مجموعه های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره۸، ص ۱۰۹-۱۱۸
۱۹-عینی فر، علیرضا، آقالطیفی، آزاده، (۱۳۹۰) مفهوم قلمرو در مجموعه های مسکونی (مطالعه مقایسه ای دو مجموعه مسکونی در سطح و ارتفاع در تهران)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۷، ص ۱۷-۲۸
۲۰-ضرغامی، اسماعیل، (۱۳۸۹) اصول پایداری اجتماعی مجتمع های مسکونی در شهرهای ایرانی- اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره دوم، ص ۱۰۳-۱۱۵
۲۱-مخبر، عباس، (۱۳۶۳) ابعاد اجتماعی مسکن، ترجمه مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
۲۲-آشوری، داریوش، (۱۳۸۰) تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات آگه
۲۳-فلاحی، مریم، (۱۳۹۲) تاثیر فرهنگ بر معماری بومی، معماری و شهرسازی و توسعه پایدار، مشهد، موسسه آموزش عالی خاوران
۲۴-مهدوی پور، حسین، (۱۳۷۷) مقدمه ای بر تاثیر فرهنگ در معماری مسکن و محیط روستا، شماره۸۴، ص ۵۲-۶۰
۲۵-امامی، صابر، (۱۳۸۸) حافظ و هویت فرهنگی، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره۱۳،ص۶۷-۸۵
۲۶-نقی زاده، محمد، (۱۳۷۸)هویت: تجلی فرهنگ در محیط، مجله آبادی، شماره ۳۴و ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۷۸
۲۷-نقی زاده، محمد و بهناز امین زاده (۱۳۸۰) فضای کیفی، معماری و شهر، مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۰
۲۸-پاکزاد، جهانشاه (۱۳۷۵) هویت و این همانی با فضا، مجله صفه، شماره ۲۱-۲۲، بهار و تابستان ۱۳۷۵
۲۹-روح الامینی، محمود، (۱۳۷۷) زمینه فرهنگ شناسی تالیفی در انسان شناسی، مردم شناسی، چاپ چهارم، تهران، عطار
۳۰-تری یاندیس، هری س، (۱۳۸۸) فرهنگ و رفتار اجتماعی، مترجم ن،فتی، چاپ سوم، تهران، رسانش
۳۱-عسکری خانقاه، اصغر، کمالی، محمد شریف، (۱۳۸۷) انسان شناسی عمومی، چاپ پنجم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
۳۲-مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۸۷) مفهوم (سبک زندگی) و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳۲
۳۳-لنگ، جان، (۱۳۸۲) آفرینش نظریه معماری، مترجم ع،ع فر، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
۳۴-راپاپورت، آموس، (۱۳۸۳) ابداع معماری، از غار تا شهر، آبادی، ۸
۳۵-هایدگر، مارتین، (۱۳۸۱) شعر، زبان و اندیشه رهایی، ترجمه عباس منوچهری، تهران، انتشارات فارسی
۳۶-شولتز، دوان و شولتز، سیدنی الن، (۱۳۸۳) نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمد، تهران، موسسه نشر
۳۷-پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، سیر اندیشه ها در شهرسازی (۱)، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

۳۸-عزیـزی، محمدمهـدی، ملـک محمدنـژاد، صـارم (۱۳۸۶)، بررسـی تطبیقـی دو الگـوی مجتمع هـای مسـکونی (متعـارف و بلندمرتبه)-مطالعـه مـوردی: مجتمع هـای مسـکونی نـور (سـئول) و اسـکان تهران، هنرهـای زیبـا، ۳۲، ۲۷-۳۸.
۳۹-نورتقانـی، عبدالمجیـد (۱۳۸۵). هویـت خانـه شـهری. رسـاله کارشناسی ارشـد. مرکز اسناد دانشکده هنـر و معماری دانشـگاه شـیراز
۴۰-راپوپـورت، امـس (۱۳۸۴) معنـای محیط سـاخته شـده (رویکـردی در ارتبـاط غیر کلامـی). ترجمه فرح حبیـب. چـاپ اول. انتشـارات پـردازش و برنامـه ریزی شـهری (وابسـته به شـهرداری تهران).
۴۱-راپوپـورت، امـس (۱۳۶۶) منشـا فرهنگی مجتمع هـای زیسـتی. ترجمه راضیـه رضازاده. انتشـارات جهاد دانشـگاهی دانشـگاه علم و صنعت.
۴۲-پوردیهیمـی، شـهرام؛ نورتقانـی، عبدالمجیـد (۱۳۹۲) هویـت و سـمکن، بـررس سـاز و کار تعامـل هویـت سـاکنی و محیـط مسـکونی. خانـه، ۳
43-Meliouh, Fouzia and kheira Tabet Aoul (2001), L Habitat Espaces et Reperes conceptuels, courrier du savoir_N ol, Novembre, p59-64
44-Baydar,Gulsum,(2004),Thecultural Burden of Architecture , Journal of Architectural Education : 9
45-Dezuari, Edgard, 2010,social change and transformations in housing, IssJ, UNESCO 2010, 197-198: 10
46-Bachelard,Gaston,2007, The oneiric house, Hosing and Dwelling; perspectives on Modern Domestic Architecture; Edited by Barbara Miller, Lane; puplished Routledge
47-Rapoport,Amos, 1981, Identity and Environment; cross-cultural perspective , Identity and housing; cross-cultural perspective, edited by James s.Duncan, landan, Billing and sons limited.
48-Rapoport, Amos, Culture Architecture and design, locke science publishing company, Inc, chicago, USA, 2005
49-Aragones, J.I., Francescato, G., Garling, T., (2002). Evaluating residential environments in: residential environments: choice, satisfaction and behavior. Bergin & Garvey, Westport, Connecticut, London, 1-14
50-Anwar Mahmud, shahril, sani ahmad, Abdullah, megad Abdullah, aminatuzuhariah (2009), lifestyle orientation and the residential environment: an exploratory review, procedia- social and behavioral sciences, 49, 304-309.
51-Beamish, Julia O. Carucci Goss, Rosemary, Emmel, Joan.(2001), lifestyle influences on housing preferences, housing and society, volume 28, number 1&2

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]